

شواهد النبوة لتقوية يقين اهل الفتوة

حسین آشوری

عبدالرحمن جامی، تصحیح: سیدحسن امین، تهران، نشر میرکسری،
ص ۶۰۶ وزیر، فارسی.

نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸ق) عالم، عارف، ادیب و شاعر قرن نهم هجری قمری، یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های فرهنگی اسلامی است. او در عصر خود محبوب‌ترین شخصیت فرهنگی و روحانی در شرق و غرب عالم اسلام بوده و در علوم عقلی و نقلی مجتهد و در زمینه‌های ادب، عرفان، حدیث، تاریخ و رجال، صاحب اثر و بهترین شارح فلسفه عرفانی ابن عربی است، به طوری که در منطقه فرارود (بین‌النهرین) او را بدیل ابن عربی می‌شناختند.

در محبوبیت و مقبولیت او همین مقدار بس که جامی شیخ‌الاسلام هرات و از شخصیت‌های درجه اول تیموریان، اما با این حال مورد احترام بقیه دولتهای مسلمان جهان بود. در حالی که در کمتر عصری اتفاق افتاده است که یک شخصیت علمی و فرهنگی در زمان خودش مورد احترام چند دولت مختلف و حتی معارض با یکدیگر قرار گیرد. امیرعلی شیرنوی، وزیر سلطان حسین بایقرا که جامی کتاب فوق را به خواهش او نوشته است، می‌گوید: چون خبر فوت جامی در شهر منتشر شد، اکابر و اشراف جملگی لباس ماتم و عزا پوشیدند و حضرت سلطان صاحب قران (سلطان بایقرا) تشریف آورده و های های گریستند و فرزند جامی را در آغوش گرفته و تسلیت نمودند. (جامی تصحیح علی‌اصغر حکمت)

جامی با اینکه از اهل سنت بود، اما ارادت خاصی به اهل بیت (ع) داشت که قصیده فرزدق در مدح امام سجاد (ع) را در *سلسلة الذهب* به فارسی ترجمه کرده و او را نخبه نبی و ولی معرفی نموده و اشعار زیادی را در مدح خاندان نبوت سروده و در این کتاب معجزات و کرامات امامان معصوم (ع) را نقل کرده است. اما با این حال او را متهم به ضدیت با شیعه کردند و علت آن، این بوده است که: اولاً با شیعیان افراطی (غلات) عصر خودش که مدعی بودند قبر امام علی (ع) در اطراف بلخ است و اکنون به عنوان

مزار شریف مورد احترام است، مخالفت نمود. ثانیاً گفته است ابوطالب اسلام نیاورده از دنیا رفت. ثالثاً مشایخ تصوف و عرفای شیعه را در کتاب *نفحات الانس* ذکر نکرده و رابعاً سب و لعن خلفای ثلاثه را جایز نشمرده است و اینها را دلیل بر ضد شیعه بودن او گرفته‌اند. که او برای هریک از این سخنان دلایلی را در جای خود ذکر کرده که در این مقاله نمی‌گنجد. جامی از نظر اعتقادی اشعری مذهب و در فروع حنفی و در طریقت از مشایخ سلسله نقشبندی و پیرو ابن عربی است.

ویژگیهای شواهد النبوة

(الف) تا قبل از صفویان بیشتر کتابهای دینی به زبان عربی نوشته می‌شده، اما کتاب فوق به زبان فارسی است. از دیر زمان چنین کتابهایی را *دلائل النبوة* می‌نامیدند و جامی *شواهد النبوة* را به پیروی از آن کتابها به زبان فارسی نوشته است.

(ب) دومین امتیاز *شواهد النبوة* بر *دلائل النبوة*های سابق این است که جامی علاوه بر ذکر معجزات پیامبر(ص) اقدام به ذکر معجزات امامان معصوم(ع) و خلفای ثلاثه و اصحاب و تابعین نموده است، یعنی می‌توان گفت که *شواهد النبوة* ترکیبی از *دلائل النبوة* و *دلائل الامامة* و مناقبهاست.

(ج) *شواهد النبوة* جامی، بی شباهت به *دلائل النبوة* مستغفری حنفی و *دلائل النبوة* ابوبکر احمد بن حسین بیهقی شافعی، و *مناقب آل ابی‌طالب*، ابن شهر آشوب مازندرانی شیعی نیست، چون ابن شهر آشوب در کتابش ذکر مناقب پیامبر(ص) و *شواهد حقانیت او* و ائمه(ع) و اصحاب و تابعان پرداخته است، هرچند در مناقبهای موجود بخش مربوط به صحابه و تابعان حذف شده است و بنابراین، می‌توان گفت که جامی در تبویب کتابش از کتاب *مناقب آل ابی‌طالب*، ابن شهر آشوب بهره گرفته است.

(د) جامی این کتاب را بعد از *نفحات الانس فی حضرات القدس* نوشته است، اما در واقع *شواهد النبوة* به منزله بخش مقدم *نفحات الانس* است و به همین سبب در همه کلیاتهای جامی، *شواهد النبوة* در اول کلیات قرار گرفته و *نفحات الانس* بلافاصله پس از آن آمده است.

(هـ) جامی *شواهد النبوة* را به خاطر هنرنمایی ادبی تألیف نکرده است. بلکه، به خاطر هدف و غایت مقصود که ذکر دلایل نبوت و معجزات امامان(ع) باشد به رشته تحریر در آورده است، چراکه کتاب فوق برخلاف دیگر آثار او مثل *بهارستان* و *لوايح*، مسجع و مقنع نیست و از صنایع لفظی در عبارت‌پردازی خالی است.

مباحث شواهد النبوة

این کتاب همان‌گونه که از نامش پیداست در اثبات نبوت پیامبر(ص) و حقانیت اوست و سعی نموده است شواهد روایی و دلایل نقلی را از معجزات و خارق‌عاده‌هایی که از قبل از تولد حضرت و هنگام تولد و موقع بعثت و رحلت او به ظهور رسیده است، ثبت نموده و سپس به ذکر معجزات خلفای ثلاث و امامان معصوم و اصحاب و تابعان پرداخته است.

از آنجا که جامی خود عارف است در این کتاب بر بُعد روحانی و فوق بشری و لاهوتی پیامبر اکرم(ص) تأکید می‌کند و جنبه بشری و زمینی او را تضعیف می‌نماید و شخصیت محمد(ص) را بیش از هر چیز روحانی و ملکوتی و معنوی تصور کرده و والاتر از شخصیت تاریخی و جغرافیایی او محسوب نموده است. وی همچنین با ذکر کرامات و معجزات امامان(ع) و خلفای ثلاث و اصحاب به تداوم جنبه روحانی پیامبر(ص) پس از انقطاع وحی، قائل شده است.

شواهد النبوة از منظر دیگر یک اثر تاریخی و وقایع‌نگاری به شمار می‌آید که حوادث و وقایع دویست ساله صدر اسلام را با حذف اسانید احادیث و روایات به نثر فارسی ترجمه و خلاصه کرده است، اما در مجموع در مقام شناساندن پیامبر(ص) از منظر تاریخی نیست، بلکه با ذکر شواهد نقلی، در اثبات نبوت آن حضرت، بر آن است تا بُعد آسمانی و معنوی آن حضرت را به عنوان واسطه بین خالق و مخلوق به اثبات برساند.

جامی وقتی به بخش معجزات و کرامات امامان معصوم(ع) می‌رسد نشان می‌دهد که یک سنی تفضیلی است، یعنی از طرفی مشارکت با اهل سنت در قبول خلفای راشدین و عدم سب و لعن آنها و از طرفی دیگر با ترجیح و تفضیل علی(ع) بر خلفای ثلاث، مثل یک شیعی خالص، دوستی خود را به خاندان نبوت به اثبات می‌رساند و در بخش دوم از رکن ششم وقتی معجزات و کرامات امامان(ع) را بیان می‌کند، از علی(ع) به عنوان امام اول شیعیان یاد کرده و به تفصیل به فضایل آن حضرت پرداخته است و از جهت کمی و کیفی او را بر خلفای ثلاث برتری داده به طوری که برای هر سه خلیفه (ابوبکر و عمر و عثمان) یازده کرامت برشمرده و در حالی که در حق علی(ع) به تنهایی سی کرامت نقل نموده و بقیه امامان را به عنوان امام شیعیان یاد کرده است، و از نظر کیفی روایاتی که نمایانگر برتری و اولویت امام علی(ع) را می‌رساند، صادقانه بیان می‌کند؛ مثل گزارش جنگ خیبر و پای نهادن علی(ع) بر کتف رسول خدا(ص) در روز فتح مکه و...؛

در شأن امام مهدی(ع) می‌نویسد وی امام دوازدهم و کُنیت او ابوالقاسم که امامیه به حجت، قائم، مهدی، منتظر و صاحب‌الزمان ملقب نموده‌اند. «و هو عندهم خاتم الاثنی عشر اماماً و انهم یزعمون انه دخل السرداب الذی یسرّ من رأ و امة منتظر الیه فلم یخرج الیها» (رکن ششم شرح حال امام دوازدهم) و سپس روایتی از حکیمه خاتون نقل می‌کند که بنا بر آن، امام حسن عسکری(ع) پس از تولد امام مهدی(عج) او را در کنار خود نشاند و زبان در دهان او نهاد و فرمود: ای فرزند من، به اذن الله تعالی، سخن بگو؛ و آن حضرت فرمود: «و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» و روایتهای دیگر.

به طور کلی می‌توان گفت که شیعه در کتاب شواهد النبوة نمودی بارز و روشن دارد و بخش عمده‌ای از کتاب به این امر اختصاص یافته است، و لذا می‌توان گفت که جامی اهل سنت با این کتاب در تقریب بین مذاهب اسلامی نقش عمده‌ای را ایفا نموده است.

در پایان، بخشی از مقدمه شواهد النبوة را که جامی در آن از فلسفه تألیف کتاب و مباحث آن سخن گفته است به اختصار بیان می‌کنیم: نخستین رکن از ارکان اسلام اقرار به کلمه شهادت است و حقیقت ایمان، تصدیق به مضمون آن و مشتمل بر دو امر است: اقرار به وحدانیت خدا و اقرار به نبوت و رسالت محمد(ص) و امر اول

وقتی معتبر است که از مشکوٰۃ نبوت باشد که اگر به مجرد دلایل عقلی اکتفا کنند (مانند فلاسفه) مفید نجات نیست، پس سرّ همهٔ دولت‌ها و همهٔ سعادت‌ها اقرار و تصدیق نبوت محمد(ص) است و مردم در این تصدیق چندگونه‌اند: بعضی به مشاهدهٔ جمال آن حضرت بی‌معجزه به او ایمان آوردند و بعضی پس از مشاهدهٔ معجزات، ایمان آورده و گروهی هرچند معجزات را مشاهده کردند، اما ایمان نیاورده و سر عناد پیش گرفته و برخی گرچه به ظاهر اقرار می‌کنند، اما معجزات او را تأویل می‌کنند و از حدّ اعجاز بیرون می‌برند.

مصحح کتاب در تصحیح این اثر از بهترین نسخه‌ها از جمله نسخهٔ خطی مؤسسهٔ فرهنگستان تاشکند، تاریخ نگارش ۸۹۱ق، یعنی هفت سال قبل از رحلت جامی که به خط خود او است استفاده کرده و اما کهن‌ترین نسخه، نسخهٔ کتابخانهٔ آیاصوفیه است که در ۸۷۷ قمری یعنی ۲۱ سال قبل از فوت جامی، تحریر شده و مستند عمدهٔ مصحح کتاب حاضر، همین نسخه است و سپس نسخهٔ قدیمی کتابخانهٔ اسلام‌آباد مورخ ۸۸۸ق و نسخه‌های دیگر، مثل نسخهٔ کتابخانهٔ ملی ملک تهران شمارهٔ ۴۷۹۵ بهره برده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی